**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه 016– 20 /06/ 1400 روایات طهارت خمر/ روایات مساله/نجاست خمر**

**خلاصه مباحث گذشته و جلسه امروز:**

بحث درباره روایات طهارت خمر بود. یکی از این روایات، روایت حسن بن موسی الحناط یا حسین بن موسی الحناط بود که در این جلسه درباره وحدت و تعدّد این دو عنوان و وثاقت آنها بحث می شود.

## روایت حسن بن موسی الحناط

بحث درباره روایاتی بود که به آن بر طهارت خمر استدلال شده است. یکی از این روایات، روایت حسن بن موسی الحنّاط بود.

### دلالت روایت

بحث متنی این روایت گذشت و ما دلالت آن را بر طهارت نپذیرفتیم. ممکن است حتی گفته شود: این روایت به یک معنا دالّ بر نجاست است به این بیان که عمده بحث در این روایت آب دهان شارب خمر است نه نفس آنکه نفس خمر به لباس اصابت کرده باشد. پس مفروض آن است که خمر نجس است و سوال این است که آیا نجاست خمر با مضمحل شدن در آب دهان، باقی است؟ امام علیه السلام می فرماید: بصاق و بزاق آب دهانی که ناشی از خمر باشد، حکم خمر را ندارد و نجس نیست.

اما این دلالت واضح نیست زیرا چون روشن نیست آیا منشأ شک، نجاست و طهارت خمر است یا نجاست و طهارت آب دهان شارب خمر منشأ شک است؟ در نتیجه روایت نه دالّ بر طهارت است و نه دلالت بر نجاست دارد. بنابراین این روایت نباید در عداد روایات دالّ بر طهارت و در عداد روایات دالّ بر نجاست ذکر شود.

### سند روایت

شهید صدر درباره سند روایت می فرماید:

و أما السند فان كان الراوي هو الحسن كما ذكرناه نقلا عن الوسائل فهو ثقة، لرواية ابن أبي عمير عنه، غير أن الوارد في التهذيب و الاستبصار (الطبعة الجديدة) عنوان الحسين بن موسى الحناط، و نفس الحناط له نسخة بدل و هي (الخياط) كما في جامع أحاديث الشيعة، فإن حصل الوثوق بأن أحدهما عين الآخر- و لو بلحاظ اقتصار كل من الفهرستين على أحدهما، حيث اقتصر الشيخ في فهرسته على الحسن بن موسى الحناط و اقتصر النجاشي علي الحسين بن موسى الخياط، و وقوع ابن أبي عمير في الطريق في كل منهما، و إن كان طريق النجاشي ضعيفا- فهو، و إن لم يثبت ذلك- و لو بلحاظ ذكر الشيخ في رجاله لكلا العنوانين في أصحاب الصادق عليه السلام- لم يتم سند الرواية.[[1]](#footnote-1)

شهید صدر بحث را با تردید پیش بردند. بنده مفصّل ذیل اسناد بصائر الدرجات بحث کردم که آیا حسن بن موسی الحناط و حسین بن موسی الحناط وحدت دارند؟ و بر فرض اتحاد، کدام یک از دو عنوان صحیح است؟ در اینجا وارد تمام آن مباحث نمی شویم و تنها به تکه هایی از بحث که جنبه روشی هم دارد، تذکر می دهیم.

شهید صدر تعبیر می کند: شیخ در فهرست، به حسن بن موسی الحناط اقتصار کرده است.

البته در تعبیر فهرست الحناط ندارد و تعبیر فهرست شیخ اینگونه است:

الحسن بن موسى. له أصل. أخبرنا به ابن أبي جيد عن ابن الوليد عن الصفار عن أحمد بن محمد بن عيسى عن ابن أبي عمير عن الحسن بن موسى.[[2]](#footnote-2)

در رجال نجاشی به این تعبیر آمده است:

الحسين بن موسى بن سالم الحناط أبو عبد الله مولى بني أسد ثم بني والبة روى عن أبي عبد الله عليه السلام و عن أبيه عن أبي عبد الله [عليه السلام‏] و عن أبي حمزة و عن معمر بن يحيى و بريد و أبي أيوب و محمد بن مسلم و طبقتهم. له كتاب أخبرنا الحسين بن عبيد الله قال: حدثنا ابن حمزة قال: حدثنا ابن بطة عن الصفار عن أحمد بن محمد بن عيسى عن ابن أبي عمير عن الحسين بكتابه.[[3]](#footnote-3)

شهید صدر از نجاشی، الخیّاط نقل کرده است اما در نسخه چاپی رجال نجاشی که حاج آقا چاپ کردند، الحناط است و بنده به نسخ دیگر رجال نجاشی، مراجعه نکردم که آیا به لفظ الخیاط نیز آمده است؟

طریق مذکور در رجال نجاشی به حسین بن موسی الحناط، از احمد بن محمد بن عیسی به بعد مانند طریق فهرست به حسن بن موسی الحناط است.

#### نکاتی درباره حسن بن موسی الحناط و حسین بن موسی الحناط

##### نکته اول: احتمال تعدّد معنون

آیا حسن بن موسی و حسین بن موسی وحدت دارند؟

ممکن است گفته شود: چه بسا یک نفر به نام حسن بن موسی الحناط و یک نفر به نام حسین بن موسی الحناط داشته باشیم اما صاحب کتاب یکی است و نجاشی و شیخ طوسی، با یکدیگر اختلاف نظر دارند که صاحب کتاب، حسن است یا حسین صاحب کتاب است؟ پس معنای اینکه نجاشی تنها حسین بن موسی الحناط را ترجمه کرده، این است که حسن بن موسی را صاحب کتاب نمی دانسته و شیخ نیز که تنها حسن بن موسی را ترجمه کرده، حسین بن موسی را صاحب کتاب نمی دانسته است. در نتیجه، نمی توان تعدّد معنون را انکار کرد.

##### نکته دوم: میزان احتمال اشتباه در نسخ موجود فهرست شیخ و رجال نجاشی

نکته دیگر درباره میزان احتمال اشتباه در نسخ موجود فهرست شیخ و رجال نجاشی است. در پاسخ باید گفت: در فهرست شیخ باب حسن و باب حسین جداگانه است. بنابراین حسن بن موسی که در باب حسن آمده، تحریفی در نسخ موجود شیخ رخ نداده و اگر تحریفی بوده، در منابع اولیه قبل از شیخ، تحریف رخ داده است. اما نجاشی، حسن و حسین را در یک باب ذکر کرده و احتمال دارد حسین بن موسی الحناط، در نسخ موجود رجال نجاشی محرّف حسن بن موسی الحناط باشد. البته از جهتی دیگر این احتمال بعید است زیرا نجاشی می نویسد: الحسين بن موسى بن سالم الحناط أبو عبد الله. پس کنیه این شخص ابو عبدالله است و معمولا کسانی که مسمّی به حسین هستند، مکنی به ابو عبدالله هستند نه کسانی که مسمّی به حسن هستند.

##### نکته سوم: فهرست بودن رجال نجاشی

شهید صدر از رجال نجاشی و فهرست شیخ، فهرستین تعبیر کردند که تعبیر درستی است و رجال نجاشی، در حقیقت فهرست است و نام اصلی آن فهرست مصنفی الشیعه است اما به رجال نجاشی معروف شده است. رجال بودن آن نیز درست است زیرا به هر حال بر خلاف ما یظهر من صاحب قاموس الرجال، این کتاب رجال است که تفصیل آن در محل خود است.

##### نکته چهارم: رابطه بنی اسد و بنی والبه

مرحوم نجاشی در ترجمه می نویسد: مولى بني أسد ثم بني والبة برخی فهم درستی از این عبارت نداشتند و تصوّر کردند ابتدا ولاء بنی اسد را داشته و سپس ولاء بنی والبه را داشته است اما این تصوّر صحیح نیست بلکه بنی والبه یکی از شاخه های بنی اسد است و معمولا کسی که مولای قومی می شود و آزاد شده قبیله ای باشد، به آن قبیله اسناد داده می شود. اسد قبیله بزرگی است که یکی از شاخه های آن والبه است. پس مرحوم نجاشی بیان می کند: حسین بن موسی هم بالولاء به بنی اسد منسوب است و از بین شاخه های بنی اسد به شاخه بنی والبه منسوب است.

##### نکته پنجم: بررسی روایت ابن ابی عمیر از حسین بن موسی یا حسن بن موسی

نکته دیگر این است که آیا واقعا می توان به روایت ابن ابی عمیر از حسین بن موسی یا حسن بن موسی، اعتماد کرد با این وجود که تنها در رجال نجاشی و فهرست شیخ وارد شده است؟

در سند رجالی نجاشی به ابن ابی عمیر، ابن بطه وجود دارد و چنانچه شهید صدر بیان کرده، ابن بطه ضعیف است و نجاشی درباره ابن ابطه می نویسد: و في فهرست ما رواه غلط كثير[[4]](#footnote-4) اما در فهرست، ابن بطه در طریق نیست و ابن ابی جید واسطه است که ما او را تصحیح می کنیم و می توان به این طریق اعتماد کرد. اما با این حال، مشکل است روایت ابن ابی عمیر از حسن بن موسی را تثبیت کنیم. زیرا در هیچ سندی غیر از طریق مذکور در رجال و فهرست، چنین نقلی وجود ندارد بله در یک سند در دلائل الامامه، ص 533 ح 514 روایت ابن ابی عمیر از حسین بن موسی وارد شده است که در آن حسین بن موسی از یعقوب بن شعیب نقل روایت کرده است. اما این سند نیز غرابت هایی دارد زیرا، حسین بن موسی در هیچ سند دیگری از یعقوب بن شعیب نقل روایت نکرده است. همچنین ابن ابی عمیر در برخی از اسناد بدون واسطه از یعقوب بن شعیب نقل روایت کرده و در برخی دیگر از اسناد با واسطه روایت نقل می کند اما در هیچ موردی غیر از این مورد، واسطه بین ابن ابی عمیر و یعقوب بن شعیب، حسین بن موسی نیست. سند دلائل الامامه به این صورت است:

أَخْبَرَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ نَهِيكٍ- أَبُو الْعَبَّاسِ النَّخَعِيُّ؛ الشَّيْخُ الصَّالِحُ- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُول‏

محمد بن هارون، محمد بن هارون بن موسی التلعکبری پسر تلعکبری معروف است و توثیق صریح ندارد.

به هر حال، اینکه حسین بن موسی الحناط صاحب کتاب باشد و کتاب او را ابن ابی عمیر نقل کرده باشد اما با این حال در هیچ یک از اسناد، ابن ابی عمیر از او نقل روایت نکرده باشد، بسیار مستبعد است. این احتمال وجود دارد که ابن ابی عمیر، تصحیف ابن ابی نصر باشد که در اسناد متعدد روایت ابن ابی نصر از حسن بن موسی واردب شده است. با این نکته روشن می شود، بهتر است برای توثیق حسن بن موسی یا حسین بن موسی، به جای روایت ابن ابی عمیر، به روایت احمد بن محمد بن ابی نصر از حسن بن موسی تمسک می شد. چنانچه مبنای لا یروون و لا یرسلون الا عن ثقه درباره ابن ابی عمیر، ابن ابی نصر و صفوان وجود دارد.

##### نکته ششم: روایت بزنطی از حسن بن موسی یا حسین بن موسی

در موارد متکرّری روایت احمد بن محمد بن ابی نصر از حسن بن موسی یا حسین بن موسی وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

1. احمد بن محمد بن ابی نصر عن حسن بن موسی عن زراره: بصائر الدرجات، ص 236 ح 6، تهذیب ج 4 ص 227 ح 665، رجال کشی ص 175 ح 300، در رجال کشی ابی نصر عن الحسن بن موسی عن زراره است که ابی نصر ظاهرا محرّف ابن ابی نصر است. سند بصائر و تهذیب تا ابن ابی نصر نیز صحیح است و سند رجال کشی را حضور ذهن ندارم.
2. به سند صحیح از احمد بن محمد بن ابی نصر عن الحسین بن موسی عن فضیل بن یسار: کافی ج 2 ص 245 ح 3
3. احمد بن محمد بن ابی نصر عن الحسن بن موسی الحناط عن الفضیل بن یسار: فقیه ج 4 ص 261 ح 5606
4. احمد بن محمد بن ابی نصر عن الحسین بن موسی عن جعفر بن عیسی قال قدم ابو عبد الله علیه السلام مکه تهذیب ج 3 ص 202 ح 472 این همان روایت رجال کشی است اما در آنجا به جای جعفر بن عیسی، زراره دارد که همان ظاهرا درست است.

بحث در حال حاضر حسن بن موسی یا حسین بن موسی است که احمد بن محمد بن ابن نصر مکرّر از او روایت دارد. احتمال دارد ابن ابی عمیر در رجال نجاشی و فهرست شیخ نیز، مصحّف ابن ابی نصر باشد. البته این مطلب در حد احتمال است نه بیشتر.

##### نکته هفتم: وحدت و تعدّد حسن بن موسی و حسین بن موسی

شهید صدر قرینه ای را برای وحدت حسین بن موسی و حسن بن موسی ذکر کرده که رجال نجاشی و فهرست شیخ، تنها یک عنوان را ذکر کرده و همین قرینه بر وحدت است. بیان شد: این مطلب قرینه بر وحدت نیست بلکه قرینه بر این است که تنها یکی از این دو صاحب کتاب هستند و وحدت صاحب کتاب الزاما به معنای وحدت این دو عنوان نیست.

از طرف مقابل، قرینه دیگری برای تعدّد ذکر شده که شیخ طوسی هم حسن بن موسی الحناط و هم حسین بن موسی الحناط را رجال آورده است و این قرینه بر تعدّد است.

###### بررسی قرینیت تعدد ذکر در رجال شیخ بر تعدد معنون

هر چند این مطلب صحیح است که شیخ طوسی هر دو عنوان را آورده، اما آیا تعدد ذکر در جال شیخ قرینه بر تعدّد است؟

برای روشن شدن این بحث، شناخت منابع رجال شیخ اهمیت دارد. چنانچه شناخت منابع رجال تأثیر جدی در بسیاری از مباحث رجالی دیگر دارد. بنده سال ها قبل مقاله ای را درباره ارتباط رجال شیخ و رجال برقی نوشتم و به تناسب درباره برخی از منابع رجال شیخ صحبت کردم از جمله درباره منابع رجال شیخ در باب اصحاب الصادق علیه السلام.

###### منبع شیخ در رجال

مرحوم شیخ در مقدمه کتاب اشاره کرده که در اصحاب الصادق علیه السلام اول موارد رجال ابن عقده را ذکر می کنم و سپس مواردی که ابن عقده نیاورده را می آورم. مرحوم شیخ باب های مختلف را به ترتیب حروف الفبا تنظیم کرده است. در هر باب چگونه می توان تشخیص داد که چه میزان از رجال ابن عقده است و چه میزان از رجال ابن عقده است و مواردی که از غیر رجال ابن عقده است، از چه مصدری است؟

بنده در آن مقاله توضیح دادم که ما در رجال طوسی ترتیب خاصی در نحوه چینش عناوین نمی بینیم حتی عناوینی که کم نام هستند همه پشت سر هم نیستند. مثلا حسن نام ها و حسین نام ها در باب حاء و احمد نام ها در باب الف پراکنده است. تنها در باب الصادق علیه السلام ترتیب خاصی دیده می شود و عناوین مرتب و یکپارچه است. تمام حسن نام ها و حسین نام ها در یک جا هستند و مثلا در باب حاء می بینیم، نام های هم نام دنبال هم هستند. نکته جالب این است که در هر قسمتی ترتیب خاصی دارد مثلا باب الف با احمد شروع می شود و بعد اسماء انبیا مانند ابراهیم، اسماعیل و امثال آن ذکر می شود و ابراهیم و اسماعیل نام ها نیز کنار یکدیگر ذکر شده اند. نکته جالب تر این است که این ترتیب در هر باب حروف الفبا در باب اصحاب الصادق علیه السلام تا آخر نیامده است. ابتدا نام های مشهور ذکر می شود به ترتیب نام های کم تکرار ذکر می شود تا جایی که به نام آحاد می رسد و یک نفر بیشتر به آن نام، نام گذاری نشده است. بعد از آحاد، ترتیب عوض می شود و دیگر نظم و ترتیب موجود، از بین رفته است.

به نظر می رسد از ابتدا تا جایی که نظم مشخص دارد، مربوط به رجال به ابن عقده است و بعد از آن مرتبط به منبع دیگری است که عمدتا رجال برقی است. البته در رجال برقی ترتیب الفبایی وجود ندارد و حتی در اول اسم نیز ترتیب الفبایی رعایت نشده و عناوین به یکدیگر مخلوط است. مرحوم شیخ در هر بابی از ابواب حروف الفبا به رجال برقی مراجعه کرده و عناوین مربوط به آن باب را پشت سرهم لیست کرده است. مقایسه رجال برقی و رجال شیخ نشان می دهد که منبع رجال طوسی در این نوع موارد، رجال برقی است.

حال درباره حسن بن موسی الحناط یا حسین بن موسی الحناط؛

اگر حسن بن موسی الحناط در قسمتی از رجال شیخ باشد که از رجال ابن عقده گرفته شده اما حسین بن موسی الحناط در قسمتی از رجال شیخ باشد که از رجال برقی گرفته شده و در منبع واحد نباشند، در این فرض، احتمال وحدت این دو عنوان بعید نیست و تعدد ذکر نمی تواند دلیل بر تعدد معنون باشد. زیرا امکان دارد شیخ طوسی از رجال ابن عقده این عنوان را ذکر کرده و در رجال برقی عنوان به صورت محرّف وارد شده بوده، به همین جهت شیخ متوجه وحدت این دو نشده است. حتی در مواردی که قطعا دو عنوان واحد باشند، این احتمال که شیخ قبلا توجه نکرده که این عنوان را ذکر کرده، وجود دارد زیرا ترتیب الفبایی در رجال شیخ وجود ندارد.

بر خلاف این که هر دو عنوان از رجال ابن عقده باشد. در این فرض، احتمال وحدت این دو عنوان ضعیف است زیرا در رجال ابن عقده ابواب حسن نام ها و حسین نام ها در یک جا بوده و متمرکز بوده است. اگر منبع رجال شیخ در هر دو عنوان رجال ابن عقده باشد، مطمئن می شویم در رجال شیخ تحریفی رخ نداده است و در رجال ابن عقده، تعدّد در ذکر بوده است. در نسخه رجال ابن عقده که در اختیار شیخ بوده است نیز تحریفی رخ نداده است. تنها این احتمال وجود دارد که ابن عقده اشتباه کرده باشد و از اسناد محرّف تعدد عنوان را فهمیده باشد.

در جایی که هر دو عنوان از رجال برقی گرفته شده باشد، نیز احتمال تعدّد معنون وجود دارد زیرا در رجال برقی، ترتیب الفبایی وجود ندارد و نام های هم نام نیز کنار هم نیست، نمی توانیم احتمال تحریف در رجال برقی و احتمال تحریف در رجال شیخ را نفی کنیم. بر خلاف موردی که هر دو عنوان از رجال ابن عقده گرفته شده باشند. در این فرض، احتمال تحریف در رجال شیخ و رجال ابن عقده وجود ندارد.

###### بحث تطبیقی در حسین بن موسی و حسن بن موسی

شیخ طوسی در قسمت نخست باب حاء که نام راویانی که حسن نام هستند، نام حسن بن موسی الحناط را ذکر کرده است.[[5]](#footnote-5) پس حسن بن موسی مربوط به رجال ابن عقده است. در قسمت حسین نام نیز حسین بن موسی الاسدی الحناط با نسخه بدل الخیاط کوفی را ذکر کرده است.[[6]](#footnote-6) این مورد نیز مربوط به رجال ابن عقده است. پس شکی نیست که در رجال ابن عقده هم حسن بن موسی الحناط و هم حسین بن موسی الحناط ذکر شده است. این نکته نیازمند ضمیمه است که علاوه بر حسن بن موسی و حسین بن موسی که با تصریح به لقب الحناط ذکر شده، شخص دیگری به نام حسین بن موسی کوفی در قسمت آخر باب الحاء آمده[[7]](#footnote-7) که از رجال برقی اخذ شده است.[[8]](#footnote-8) ممکن است این حسین بن موسی با حسن بن موسی الحناط یا حسین موسی الحناطی که قبلا ذکر شده، متحد باشد. همچنین می تواند شخص دیگری باشد زیرا این حسین بن موسی، قید الحناط ندارد و شیخ طوسی بعد از حسین بن موسی الاسدی الحناط، حسین بن موسی الهمدانی کوفی را نیز ذکر کرده است. بعد از حسن بن موسی الحناط الکوفی، کس دیگری به نام الحسن بن موسی الازدی الکوفی ذکر کرده است.

ذکر این نکته مفید است که ازد، قبیله ای غیر از بنی اسد است اما احتمال دارد اسدی به ازدی تصحیف شده باشد و این حسن بن موسی الازدی، همان حسن بن موسی الاسدی باشد. اما این مطلب ثابت نشده و آن چیزی که در نسخ دیده شده، تبدیل ازدی به اسدی است نه بر عکس. در این صورت، با توجه به اینکه در ترجمه حسن بن موسی الاسدی الحناط، بیان شده از قبیله بنی والبه است و بنی والبه از بطون بنی اسد است، نمی توان بحث تصحیف ازد به اسد را در اینجا تطبیق کرد. زیرا بدون شک، نسخه اسدی صحیح است و تصحیف ازد به اسد نیز ثابت نشده است.

اما آیا با قرائن دیگر، وحدت حسن بن موسی الحناط و حسین بن موسی الحناط ثابت می شود؟

این بحث، تفصیل زیادی می طلبد که وارد آن نمی شویم. البته به نظرم در بحث مفصلی که در تعلیقات بصائر الدرجات داشتیم، به وحدت این دو رسیدیم. اما با فرض اینکه این دو، متعدد باشند هر دو ثقه هستند زیرا ابن ابی نصر بزنطی از هر دو، روایت نقل کرده است.

سند روایت حسن بن موسی الحناط این است:

سعد بن عبد الله عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ (یا الحسین) عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ (یا الحسن) بْنُ مُوسَى الْحَنَّاطِ (یا الخیاط) سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّجُلِ يَشْرَبُ الْخَمْر

در این سند، سعد بن عبد الله بدون شک ثقه است. در استبصار محمد بن الحسین وارد شده که ظاهرا همین محمد بن الحسین صحیح است زیرا سعد بن عبد الله گاه مستقیم از ایوب بن نوح نقل روایت می کند و گاه به واسطه محمد بن الحسین بن ابی الخطاب از ایوب بن نوح نقل روایت می کند. هر چند مراد از محمد بن الحسن، صفار است و او از ایوب بن نوح نقل روایت می کند اما واسطه بین سعد بن عبد الله و ایوب بن نوح واقع نشده است. به هر حال هر یک از این دو راوی باشند، هر دو ثقه هستند.

با توضیحاتی که بیان شد، این روایت هیچ مشکل سندی به غیر از حسین بن موسی الحناط ندارد که وثاقت او را به طریق روایت ابن ابی نصر، اثبات کردیم.

روایت بعدی روایت علی الواسطی است که در جلسه آینده مورد بحث قرار خواهد گرفت و سایر روایات طهارت نیز بیان می شود. سعی می شود روایات طهارت در جلسه آینده به اتمام برسد و جمع بندی بین روایات طی یک تا دو روز انجام شود و بحث به انجامی برسد.

1. بحوث في شرح العروة الوثقى؛ ج‌3، ص: 340 [↑](#footnote-ref-1)
2. الفهرست، ص: 127، رقم: 172 [↑](#footnote-ref-2)
3. رجال نجاشی، ص: 45، رقم: 90 [↑](#footnote-ref-3)
4. رجال نجاشی، ص: 372، رقم: 1019 [↑](#footnote-ref-4)
5. رجال شیخ، ص: 181 رقم: 2184 رقم 41 باب الحاء [↑](#footnote-ref-5)
6. رجال شیخ، ص: 183، رقم: 2220، رقم 77 باب الحاء [↑](#footnote-ref-6)
7. رجال شیخ، ص: 195 رقم: 2448رقم 305 باب الحاء [↑](#footnote-ref-7)
8. رجال برقی، ص: 26 [↑](#footnote-ref-8)